

بررسی نقش کلیستوتسیوم در زمستان گذرانی *Uncinula necator* (Schw.) Burr. عامل بیماری سفیدک سطحی انگور در استان خراسان

محمد حاجیان شهری^۱، جواد زاد^۲، عباس شریفی تهرانی^۲، سید محمود اخوت^۲ و عباس صفرنژاد^۱

چکیده

این پژوهش به منظور بررسی نقش کلیستوتسیوم‌ها در زمستان‌گذرانی و عامل مولد مایه تلقیح اولیه در ایجاد اپیدمی بیماری سفیدک سطحی انگور در استان خراسان انجام گرفت. بر اساس نتایج به دست آمده زمستان‌گذرانی *Uncinula necator* (Schw.) Burr. به شکل میسلیم در جوانه‌های درحال خواب انگور در طی یک بررسی دو ساله در استان خراسان دیده نشد. آسکوسپورها *U. necator* توسط دستگاه اسپرگیر ۵۵ روز بعد از بازشدن جوانه‌ها جمع‌آوری شد، نخستین کلنی‌های سفیدک سطحی انگور روی شاخه‌های جانبی به طول ۷-۳۰ سانتی‌متر ظاهر شدند. بیش از ۴۵-۳۵ درصد کلیستوتسیوم‌های تشکیل شده روی برگ‌ها، دمبرگ‌ها و شاخه‌ها در طی زمستان مردند. بیشترین میزان آسکوسپور در دوره بازشدن جوانه‌ها و گل‌دهی، در زمانی که بارندگی بیش از یک میلی‌متر بود با دستگاه اسپرگیر به دام افتادند. آسکوسپورها به صورت دوره‌ای از مهرماه تا اردیبهشت ماه از کلیستوتسیوم‌های سطح برگ‌های نگه‌داری شده در باغ قادر به رهاسازی و از مهرماه تا دی ماه روی سطح لام‌های میکروسکوپی قادر به جوانه زنی بودند، ولی جوانه زنی آسکوسپورها به تدریج کاهش یافت و در طول دی ماه تا اوایل اسفندماه درحد صفر بود و از اوایل اسفند ماه به تدریج افزایش یافت و در طی ماه‌های فروردین و اردیبهشت به ۱۶ درصد رسید. پتانسیل آب آسکوسپورها به طور دائم در طی این دوره کاهش یافت و وزن مورد نیاز برای شکستن آسکوکارپ‌ها در طی دوره بلوغ آسکوسپورها از حدود ۵ گرم در پاییز به ۳ گرم در زمستان و ۲/۶ گرم در اوایل بهار رسید.

بیشترین میزان کاهش مقاومت دیواره آسکوکارپ‌ها در برابر شکستگی در زمستان اتفاق افتاد که به میزان ۱/۹ گرم بود. بیماری‌زایی آسکوسپورهای بالغ روی برگ‌های بریده سالم اثبات شد که نقش آنها را به عنوان مایه تلقیح اولیه نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که کلیستوتسیوم‌ها شکل اصلی زمستان‌گذرانی *U. necator* در تاکستان‌های استان خراسان می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: کلیستوتسیوم، آسکوسپور، زمستان‌گذرانی، سفیدک سطحی، انگور

۱. استادیار پژوهش مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان خراسان، مشهد

۲. استادان گیاه پزشکی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران، کرج

مقدمه

سفیدک سطحی انگور، که توسط *U. necator* ایجاد می‌شود از لحاظ اقتصادی مهم‌ترین بیماری درختان انگور در تمام دنیا می‌باشد (۲۷ و ۲۸). وجود کلیستوتسیوم‌های *U. necator* برای نخستین بار در ایران از استان فارس گزارش شده است درحالی که در اغلب نقاط انگورکاری ایران دیده شده بودند (۱). کلیستوتسیوم‌هایی که توسط این گونه تشکیل می‌شوند به عنوان مهم‌ترین منبع مایه تلقیح اولیه بیماری در ایتالیا، آمریکا، آلمان و استرالیا گزارش شده است (۸، ۲۲، ۲۵ و ۳۲). چگونگی تشکیل کلیستوتسیوم‌ها و رهاسازی آسکوسپورها از برگ‌های جمع‌آوری شده از باغات انگور در آزمایشگاه توسط محققین مختلفی بررسی شده است (۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۸ و ۲۲). نتایج تحقیقات در کالیفرنیا (۳۰)، اروپای غربی (۶ و ۲۶) و افریقای جنوبی (۳۳) اثبات کرده است که *U. necator* به شکل میسلیم در جوانه‌های آلوده و درحال خواب انگور زمستان‌گذرانی می‌کند و زمستان‌گذرانی این گونه به شکل هیف در جوانه‌های در حال خواب انگور به عنوان شکل اصلی زمستان‌گذرانی این قارچ در اغلب نواحی انگورکاری دنیا پذیرفته شده بود، علی‌رغم این‌که وجود کلیستوتسیوم‌های آن روی شاخه و برگ‌های انگور در آلمان (۳۴ و ۳۶)، فرانسه (۳۸)، رومانی (۳)، کالیفرنیا (۵)، آمریکا (۱۵) و استرالیا (۳۵) گزارش شده بود. ردیک و گلاودین (۲۹) معتقد بودند که روش زمستان‌گذرانی *U. necator* دقیقاً معلوم نیست ولی در عین حال آنها اعتقاد داشتند که این قارچ به شکل آسکوسپور در کلیستوتسیوم زمستان‌گذرانی می‌کند. جوانه زنی آسکوسپورهای بالغ این قارچ در اوایل سال ۱۸۹۵ (۱۶) دیده شده بود اما تلقیح مکرر انگور با آسکوسپور توسط گالوی در ۱۸۹۵ (۱۶) یوسفوویچ در ۱۹۲۳ (۳۸) و آنورل در ۱۹۷۴ (۳) نقش آسکوسپورها را در تولید بیماری رد کرد. از آنجایی که قبلاً زمستان‌گذرانی *U. necator* در جوانه‌های درحال خواب انگور اثبات شده بود محققین زیادی معتقد بودند که نقش آسکوکارپ‌های این قارچ در زمستان‌گذرانی آن کم، یا ضروری نیست و نقش مهمی در

سیکل بیماری سفیدک سطحی انگور ندارند (۷، ۱۲، ۳۱ و ۳۷). در استان خراسان منبع مایه تلقیح اولیه برای شروع اپیدمی‌های سفیدک سطحی انگور مشخص نیست ولی در آخر فصل تعداد زیادی کلیستوتسیوم‌های این قارچ روی شاخه و برگ‌ها تشکیل می‌شوند، بنابراین این پژوهش به منظور بررسی نقش کلیستوتسیوم‌ها به عنوان شکل زمستان‌گذران و تولید کننده مایه تلقیح اولیه در ایجاد اپیدمی بیماری سفیدک سطحی انگور در استان خراسان انجام گرفت.

مواد و روش‌ها

۱. بررسی موستان‌ها

تاکستان‌های شهرستان‌های مهم انگورخیز استان شامل قوچان، شیروان، فاروچ، بجنورد، مشهد، کاشمر و شهرستان‌های جنوبی استان شامل گناباد، قاین و بیرجند که زمستان ملایم‌تری نسبت به شهرستان‌های شمالی استان دارند و بقای قارچ در جوانه‌های آلوده انگور محتمل بود برای مشاهده علائم Flag Shoot یا شواهد دیگری مبنی بر آلودگی انگور به *U. necator* از ابتدای فروردین ماه تا اواخر خردادماه که شاخه‌های جوان انگور تازه تشکیل می‌شوند در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ مورد بررسی قرار گرفتند. ارقام عمده انگور کاشته شده در این باغ‌ها ارقام عسگری، پیکامی، فخری، کشمش و گونه *Vitis vinifera* L. هستند.

۲. بررسی تغییرات فصلی رهاسازی آسکوسپورها

در طی مهرماه ۱۳۸۱ برگ‌های انگور آلوده رقم عسگری دارای کلیستوتسیوم از تاکستانی متعلق به ایستگاه تحقیقات کشاورزی گل‌مکان واقع در کیلومتر ۴۵ جاده مشهد- قوچان جمع‌آوری شدند. این برگ‌ها به قطعات ۵ سانتی‌متر مربع بریده شده و در کیسه‌های ململ در یک باغ انگور در مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی (مشهد) آویزان شدند. هر ۱۴ روز یک بار از مهرماه ۱۳۸۱ تا نیمه خردادماه ۱۳۸۲ میزان رهاسازی آسکوسپورها از این کلیستوتسیوم‌ها براساس روش پیرسون و

در دمای ۲۲ درجه سانتی‌گراد نگهداری شدند و پس از ۲۴ ساعت میزان جوانه زنی آسکوسپورها در سطح لام‌های میکروسکوپی پس از رنگ آمیزی با محلول لاکتوفنل - کاتن بلو اندازه‌گیری شدند.

۴. اندازه‌گیری مقاومت دیواره کلیستوتسیوم در برابر شکستگی

از مهرماه ۱۳۸۱ تا ابتدای اردیبهشت ماه ۱۳۸۲ هرماه یک بار میزان مقاومت دیواره آسکوکارپ‌ها در برابر شکستگی براساس روش گادوری و پیرسون (۱۴) انجام گرفت. براساس این روش مقاومت دیواره ۳۰ عدد کلیستوتسیوم در برابر شکستگی به تفکیک اندازه‌گیری شد. نخست یک عدد کلیستوتسیوم در یک قطره آب مقطر حاوی ۰/۰۵ درصد توئین ۲۰ در سطح یک لام میکروسکوپی گذاشته شد و یک لامل روی آن قرار داده شد. این لام روی یک ترازوی دیجیتال با دقت ۰/۰۰۱ گرم که در زیر یک بینوکلر قرارداشت گذاشته شد و یک مفتول سیمی در بدنه بینوکلر که می‌توانست با حرکت پیچ تنظیم وضوح آن بالا و پایین رفته و روی لامل فشار بیاورد تا در اثر این وزن دیواره آسکوکارپ شکسته شود نصب و میزان این فشار توسط ترازو برای هر ۳۰ کلیستوتسیوم در هربار اندازه‌گیری ثبت شد. این آزمایش در قالب طرح کاملاً تصادفی با یک تیمار (تاریخ اندازه‌گیری) و ۳۰ تکرار (کلیستوتسیوم) انجام شد.

۵. اندازه‌گیری پتانسیل آب سیتوپلاسم آسکوسپورها

اندازه‌گیری تورم سلولی آسکوسپورها در محلول‌های نمکی براساس روش بیدول (۴) انجام شد. براساس این روش تغییرات ابعاد آسکوسپورها برای یک آسکوسپور از هر آسکوکارپ و به تعداد ۳۰ آسکوکارپ اندازه‌گیری شد. نخست نقطه شروع پلاسمولیز آسکوسپورها در آب مقطر و سری محلول‌های ۰/۲، ۰/۴، ۰/۶، ۰/۸ و یک مولار کلرید سدیم در زمان جمع‌آوری کلیستوتسیوم‌ها اندازه‌گیری و در فواصل زمانی هرماه یک بار نیز تغییرات ابعاد سلولی آسکوسپورها با اندازه‌گیری ابعاد ۳۰ آسکوسپور در محلول کلرید سدیم صفر،

گادوری (۲۵) اندازه‌گیری شد. برای جمع‌آوری کلیستوتسیوم‌های قارچ عامل بیماری هر بار ده قطعه برگ در یک شیشه ارلن ۱۰۰ سانتی‌متر مکعبی محتوی آب مقطر تکان داده شدند تا کلیستوتسیوم‌ها در آب آزاد شوند. سپس آب داخل شیشه‌ها از الک با قطر منافذ دو میلی‌متری و سپس از الک با قطر منافذ ۸۵ میکرومتر برای جمع‌آوری کلیستوتسیوم‌ها عبور داده شد، آسکوکارپ‌ها از سطح الک‌ها جمع‌آوری و روی سطح دیسک‌های کاغذی با قطر ۲/۵ سانتی‌متر به تعداد ۳۰ عدد آسکوکارپ توزیع شدند. در داخل درپوش هر تشتک پتری یک دیسک کاغذی تعبیه شد و در داخل پایه هرتشتک پتری نیز دو برگ کاغذ صافی سترون قرار داده شد که با ۵ میلی‌لیتر آب مقطر برای ایجاد رطوبت اشباع خیس شده بود و بر روی کاغذ صافی داخل هرتشتک پتری سه عدد خلال چوب کبریت سترون گذاشته شد و یک لام میکروسکوپی روی این خلال‌های چوب کبریت قرار داده شد تا آسکوسپورهای رهاسازی شده در سطح آنها جمع‌آوری شوند، سپس پایه و درپوش تشتک پتری‌ها بر روی هم قرار داده شدند و اطراف هر تشتک پتری با کمک پارافیلیم مسدود گردید و میزان رهاسازی آسکوسپورها پس از ۲۴ ساعت در ۲۵ درجه سانتی‌گراد، بعد از رنگ آمیزی سطح لام‌ها با محلول لاکتوفنل - کاتن بلو اندازه‌گیری شد.

۳. بررسی تغییرات فصلی جوانه‌زنی آسکوسپورها

در فواصل زمانی دوهفته یک بار بر اساس روش گادوری و پیرسون (۱۳) از مهرماه ۱۳۸۱ تا اواسط خرداد ۱۳۸۲، ۳۰ عدد کلیستوتسیوم روی دیسک‌های کاغذی با قطر ۲ سانتی‌متر گذاشته شدند و سپس با آب مقطر خیس شدند. کلیستوتسیوم‌های مورد نیاز همانند روش پیرسون و گادوری (۲۵) تهیه شدند. برای تسهیل در رهاسازی آسکوسپورها دیواره آسکوکارپ‌ها با کمک یک اسکالپل تیز به آرامی شکسته شدند و این دیسک‌ها در درپوش ۵ عدد تشتک پتری به عنوان تکرار تعبیه شدند و همانند روش قبل یک لام میکروسکوپی در پایه تشتک پتری قرار داده شد. تشتک پتری‌ها

۸. بررسی بیماری زایی آسکوسپورها

برای اثبات بیماری‌زایی آسکوسپورهای قارچ عامل بیماری نخست برگ‌های انگور رقم عسکری که به ابعاد تشتک پتری با قطر ۹ سانتی‌متر بودند انتخاب و به مدت ۵ دقیقه با محلول هیپوکلریت سدیم یک درصد ضدعفونی شدند. برگ‌های فوق از محل دم‌برگ در داخل یک تشتک پتری محتوی ۲۵ میلی‌لیتر محیط آب - آگار ۱/۵ درصد همراه با ۱۰۰ قسمت در میلیون بنزیمیدازول، که قبلاً در سطح آن چهار خلال چوب کبریت استریل به منظور ایجاد فاصله بین برگ و سطح محیط کشت تعبیه شده بود فروبرده شد. در درب هر تشتک پتری نیز دو برگ کاغذ صافی استریل تعبیه و با ۲ سانتی‌متر مکعب آب مقطر استریل خیس شد سپس چهار دیسک کاغذی که روی هر یک ۲۰ عدد کلیستوتسیوم قارچ عامل بیماری قرار داده شده بود روی کاغذ صافی موجود در درب تشتک پتری‌ها گذاشته شد و پایه تشتک پتری به صورت وارونه روی درب آن گذاشته شد و اطراف لبه تشتک پتری با پارافیلیم به منظور حفظ رطوبت مسدود شد. این آزمایش در قالب یک طرح کاملاً تصادفی با دو تیمار، شاهد (دیسک‌های کاغذی بدون کلیستوتسیوم) و تیمار بیماری زایی (دیسک‌های کاغذی با کلیستوتسیوم) هر یک با ۵ تکرار (تشتک‌های پتری) انجام گرفت (۱۱).

نتایج

علائم مربوط به حضور سفیدک سطحی در سرشاخه‌ها و جوانه‌های برگی انگور که در اول فصل باز شده بودند در موستان‌های شهرستان‌های تحت بررسی در استان خراسان دیده نشد. علائم این بیماری، در هنگام ظهور به صورت کلنی‌های مجزا روی سطح رویی برگ‌ها و اغلب در حاشیه برگ‌های شاخه‌های جانبی جوان که حدود ۳۰-۷ سانتی‌متر طول داشتند، در اواخر اردیبهشت ماه دیده شد. میزان رهاسازی آسکوسپورها در رطوبت اشباع و در دمای ۲۵ درجه سانتی‌گراد در مهرماه ۱۳۸۱ حدود ۶ عدد در سانتی‌متر مربع لام میکروسکوپ اندازه‌گیری شد که به تدریج در طی ماه‌های آبان و آذر افزایش

۰/۵ و یک مولار با اندازه‌گیری طول و عرض هر آسکوسپور با استفاده از میکروسکوپ نوری در بزرگ‌نمایی ۱۰۰۰ برابر محاسبه شد.

۶. اندازه‌گیری میزان رهاسازی آسکوسپورها در موستان‌ها با استفاده از دستگاه اسپورگیر

در سال ۱۳۸۱ از نیمه اسفند ماه تا اواسط خردادماه ۱۳۸۲ یک دستگاه اسپورگیر در موستان ایستگاه تحقیقات گل‌مکان واقع در کیلومتر ۴۵ جاده مشهد- قوچان در بین ردیف‌های درختان انگور رقم عسکری که به صورت پا چراغی کاشته شده بودند نصب گردید به طوری که شکاف روزنه آن در ارتفاع ۶۰ سانتی‌متری از سطح زمین قرار داشت. دستگاه طوری تنظیم گردید که ده لیتر هوا در هر دقیقه وارد دستگاه می‌شد. هر هفته، یک نوار که سطح آن با وازلین همراه با پارافین (۱۰٪ حجمی) آغشته شده بود روی ساعت دستگاه تعبیه می‌گردید. نوار فوق هر هفته تعویض و به فواصل روزانه بریده شده و روی لام میکروسکوپی قرار داده می‌شد و با محلول کاتن بلو- لاکتوفنل رنگ‌آمیزی و تعداد آسکوسپورهای آزاد شده در طی روز در بزرگ‌نمایی ۴۰۰ برابر شمارش می‌شد.

۷. اندازه‌گیری قابلیت بقای کلیستوتسیوم در طول فصل

آسکوکارپ‌های موجود در سطح برگ‌ها، شاخه‌های آلوده و سطح خاک از مهرماه ۱۳۸۱ تا فروردین ماه ۱۳۸۲ با استفاده از روش کورتسی و همکاران (۸) هرماه یک بار جمع‌آوری شدند. هر بار ۵۰ عدد آسکوکارپ به صورت منفرد روی لام میکروسکوپ منتقل شده و قابلیت زنده ماندن آنها در محلول ۰/۰۱ درصد فلوئورسین دی استات در آب بعد از ۵ دقیقه تحت میکروسکوپ فلوئورسانس بر اساس روش گی و همکاران (۱۷) بررسی شد. آسکوکارپ‌هایی زنده محسوب می‌شدند که ۵۰٪ آسکوسپورهای آن رنگ سبز روشن فلوئورسانس را نشان دهند.

یافت و در اواخر دی ماه ۱۳۸۱ به ۸ عدد در سانتی متر مربع لام میکروسکوپ رسید، ولی در ماه‌های بهمن و اسفند ماه ۱۳۸۱ به تدریج کاهش یافت و به حدود ۲ عدد در سانتی متر مربع لام میکروسکوپ در اواخر اسفند ماه رسید و از اوایل فروردین ماه ۱۳۸۲ به تدریج افزایش یافت و در اواسط اردیبهشت ماه حدود ۷ عدد در سانتی متر مربع لام میکروسکوپی اندازه‌گیری شد (شکل ۱).

میزان جوانه‌زنی آسکوسپورها در رطوبت اشباع و در دمای ۲۲ درجه سانتی گراد بعد از ۲۴ ساعت، در مهرماه ۱۳۸۱ حدود ۴۵ درصد اندازه‌گیری شد. این میزان به تدریج در طی ماه‌های آبان و آذر کاهش یافت و در دی ماه ۱۳۸۱ به صفر رسید و این روند تا اواسط اسفندماه ۱۳۸۱ ادامه یافت و از این زمان به بعد و در فروردین ماه ۱۳۸۲ به تدریج افزایش یافت و در خاتمه آزمایش به حدود ۱۶ درصد رسید (شکل ۲).

نتایج به دست آمده از بررسی تغییرات میزان مقاومت دیواره کلیستوتسیوم‌ها در برابر شکستگی نشان داد که مقاومت دیواره آسکوکارپ با گذشت زمان به تدریج کاهش می‌یابد (جدول ۱ و شکل ۳). بیشترین میزان کاهش مقاومت دیواره آسکوکارپ‌ها در برابر شکستگی در اوایل بهمن ماه اندازه‌گیری شد و در فاصله بین بهمن تا فروردین ماه تغییر کمی در مقاومت دیواره آسکوکارپ‌ها اندازه‌گیری شد (شکل ۳).

در همین ارتباط نتایج به دست آمده نشان داد که پتانسیل آب سیتوپلاسم آسکوسپورها نیز با گذشت زمان کاهش می‌یابد. آسکوسپورهای مربوط به کلیستوتسیوم‌هایی که دو هفته از تشکیل آنها می‌گذشت در محلول ۰/۲ مولار کلرید سدیم پلاسمولیز شدند (شکل ۴) و آسکوسپورهای مربوط به کلیستوتسیوم‌هایی که ۶ ماه از تشکیل آنها می‌گذشت در محلول یک مولار کلرید سدیم پلاسمولیز شدند. حداقل غلظت محلول کلرید سدیم که باعث پلاسمولیز ۵۰ درصد آسکوسپورها شد در آبان ماه ۰/۲، آذرماه ۰/۴، در بهمن ماه ۰/۶ و در فروردین ماه یک مولار بود.

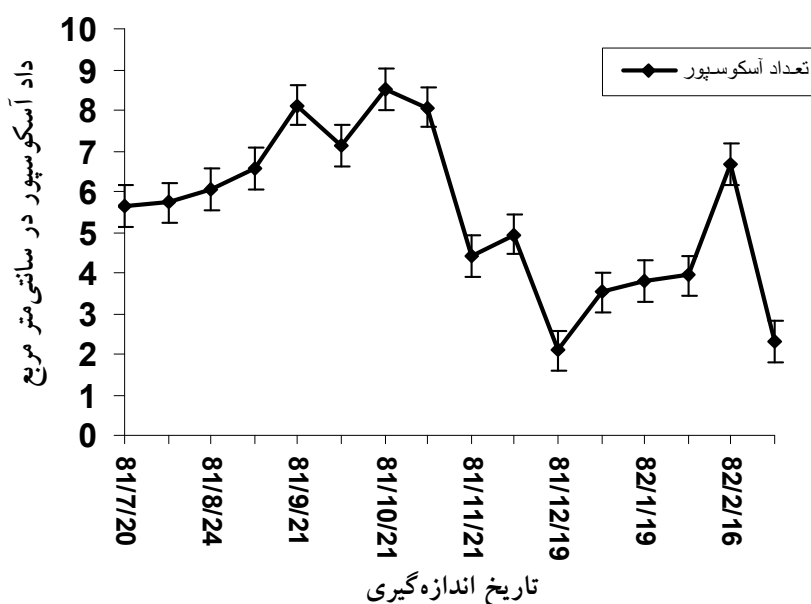
برای اندازه‌گیری تغییرات حجم آسکوسپورها، این اسپورها به شکل یک استوانه در نظر گرفته شدند و حجم آنها بر این

اساس اندازه‌گیری شد که به طور معنی‌داری ($P < 0/01$) بر اثر غلظت ماده نگه‌دارنده آسکوسپور در روی لام میکروسکوپ تحت تأثیر قرار می‌گرفت. این اثر با گذشت زمان از مهرماه تا آذرماه بیشتر بود ولی پس از آن اختلاف کمی ($P < 0/05$) در تغییر حجم آسکوسپور در آب مقطر و محلول ۰/۵ و یک مولار کلرید سدیم اندازه‌گیری شد (شکل ۵). حجم آسکوسپورها در محلول یک مولار کلرید سدیم به طور معنی‌داری بین دی ماه و بهمن ماه کاهش یافت و کاهش معنی‌داری ($P < 0/05$) در حجم آسکوسپور در آب مقطر از مهر ماه تا اواخر دی ماه دیده شد (شکل ۵).

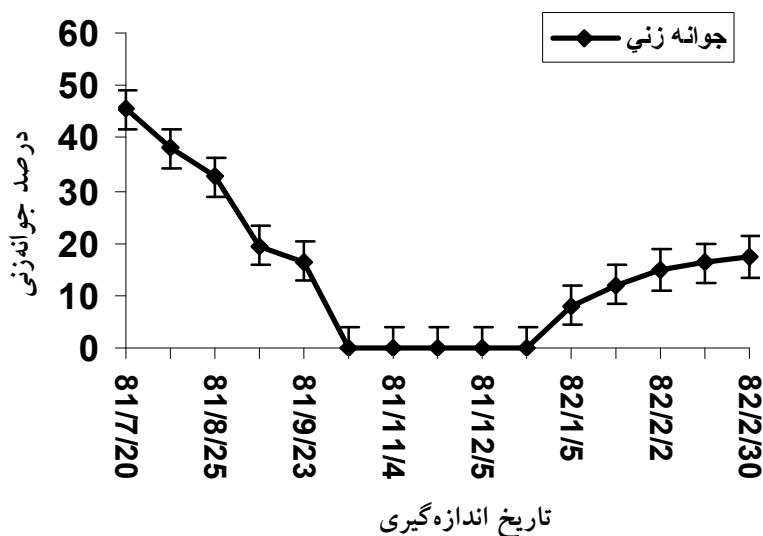
بر اساس نتایج به دست آمده از اندازه‌گیری تراکم آسکوسپورها در فضای باغ با استفاده از دستگاه اسپورگیر اولین آسکوسپورها در تاریخ ۸۱/۱۲/۱۷ شکار شدند و از این تاریخ به بعد این عمل به طور مستمر ادامه داشت. تراکم آسکوسپورهای هوازداد *U. necator* به دام افتاده در طی هفت بارندگی عمده در سال ۱۳۸۲ از فروردین ماه تا خرداد ماه که منجر به افزایش معنی‌داری ($P < 0/05$) در تعداد آسکوسپورهای رها شده گردید در شکل ۶ نشان داده شده است. حداقل میزان بارندگی که موجب رهاسازی و به دام افتادن آسکوسپورها گردید یک میلی‌متر در ۱۷ اسفند ۱۳۸۱ بود اما تعداد آسکوسپورهای به دام افتاده هر وقت که میزان بارندگی از یک میلی‌متر بیشتر بود به طور معنی‌داری افزایش می‌یافت (شکل ۶).

اکثر دوره‌های رهاسازی آسکوسپورها با جمعیت بالا، در دوره فنولوژی بین باز شدن جوانه‌های برگی و گل‌دهی انگور انجام گرفت. زنده ماندن کلیستوتسیوم‌ها روی برگ‌های افتاده در موستان گل‌مکان از آبان ماه ۱۳۸۱ لغایت فروردین ماه ۱۳۸۲ اندازه‌گیری شد. میزان زنده ماندن کلیستوتسیوم‌ها در شروع آزمایش ابتدای آبان ماه ۱۳۸۱، ۷۷/۵ درصد و در انتهای آزمایش در نیمه فروردین ماه ۱۳۸۲ حدود ۳۷ درصد اندازه‌گیری شد (شکل ۷).

نتایج آزمون بیماری‌زایی آسکوسپورها نشان داد، ده روز بعد از نگه‌داری برگ‌های بریده در شرایط اشاره شده در قسمت



شکل ۱. تغییرات میزان رها سازی آسکوسپورهای *U. necator* از مهرماه ۱۳۸۱ تا اردیبهشت ماه ۱۳۸۲



شکل ۲. تغییرات جوانه زنی آسکوسپورهای *U. necator* از مهرماه ۱۳۸۱ تا اردیبهشت ماه ۱۳۸۲

استان خراسان در زمستان زنده می‌مانند و آسکوسپورهای آنها طی ماه‌های اسفند تا خرداد آزاد شده و می‌توانند درختان انگور را آلوده کنند و به عنوان مایه تلقیح اولیه عمل کنند. اگرچه زمستان گذرانی این قارچ به شکل میسیلیوم در جوانه‌های آلوده و در حال خواب انگور در نواحی مختلف دنیا اثبات شده است (۶، ۲۶، ۳۰ و ۳۱) ولی در زمینه این شکل

مواد و روش‌ها، عامل بیماری در روی سه برگ بریده، به ترتیب ۳، ۷ و ۲ کلنی تشکیل داد که بیماری زایی آسکوسپورها و نقش آنها را در اپیدمیولوژی *U. necator* تأیید می‌کند.

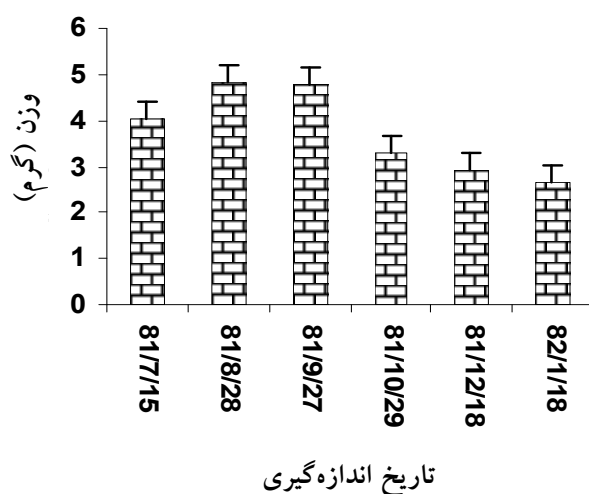
بحث

در این پژوهش مشخص شد که کلیستوتسیوم‌های *U. necator* در

جدول ۱. وزن لازم برای شکستن دیواره کلیستوتسیومهای *U. necator*

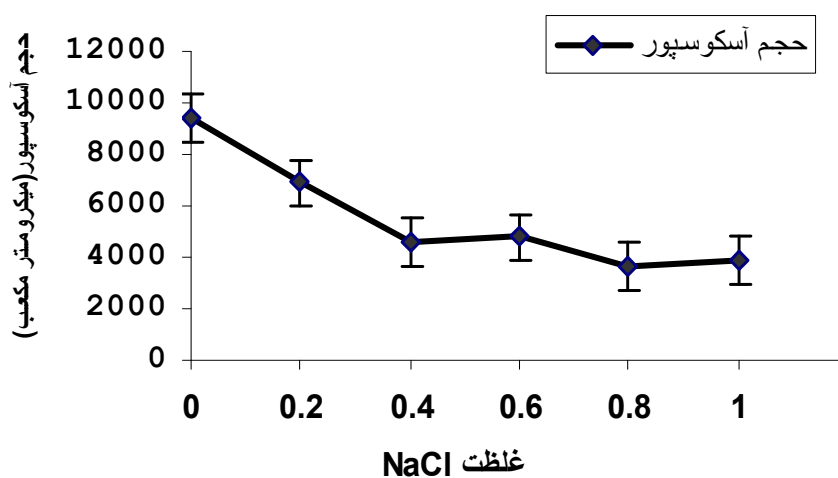
وزن (گرم)	تاریخ
۴/۰۳۲	۸۱/۷/۱۵
۴/۸۲۷	۸۱/۸/۲۸
۴/۷۹۱	۸۱/۹/۲۷
۳/۲۸۹*	۸۱/۱۰/۲۹
۲/۹۱*	۸۱/۱۲/۱۸
۲/۶۶۲	۸۲/۱/۱۸

*: کاهش معنی دار در وزن مورد نیاز برای شکستن دیواره آسکوکارپ را نسبت به تاریخ جمع آوری قبلی نشان می دهد ($P < 0.05$).

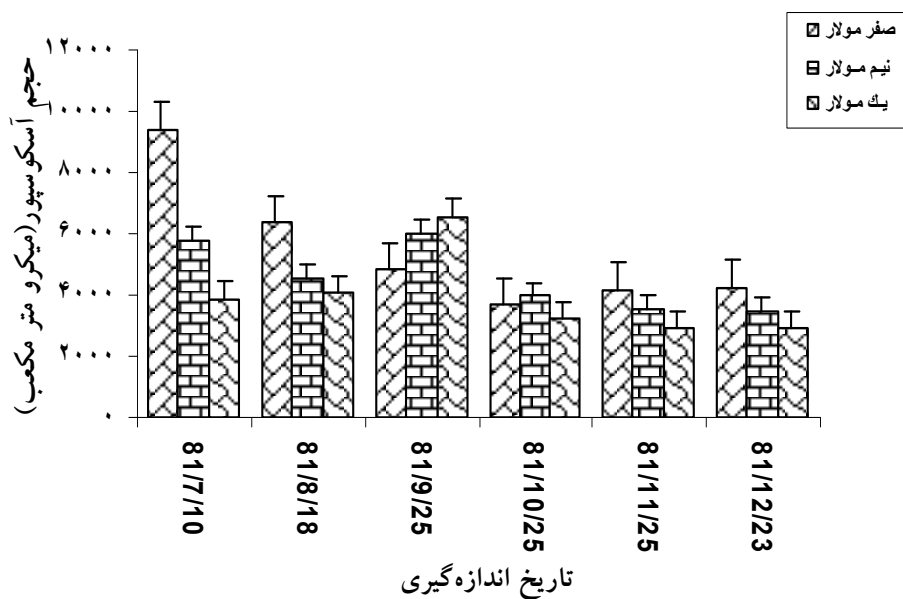


شکل ۳. تغییرات میزان مقاومت دیواره کلیستوتسیومهای *U. necator* در برابر شکستگی از

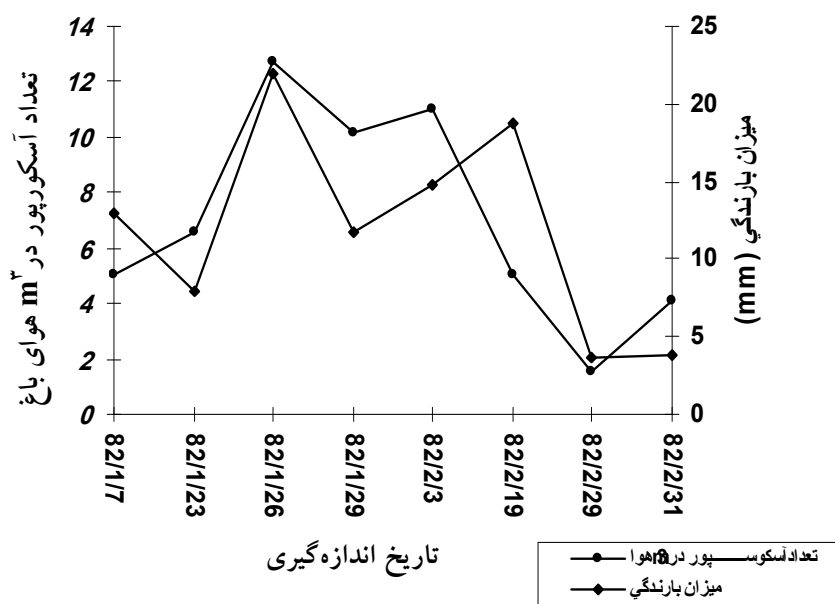
مهرماه ۱۳۸۱ تا فروردین ماه ۱۳۸۲



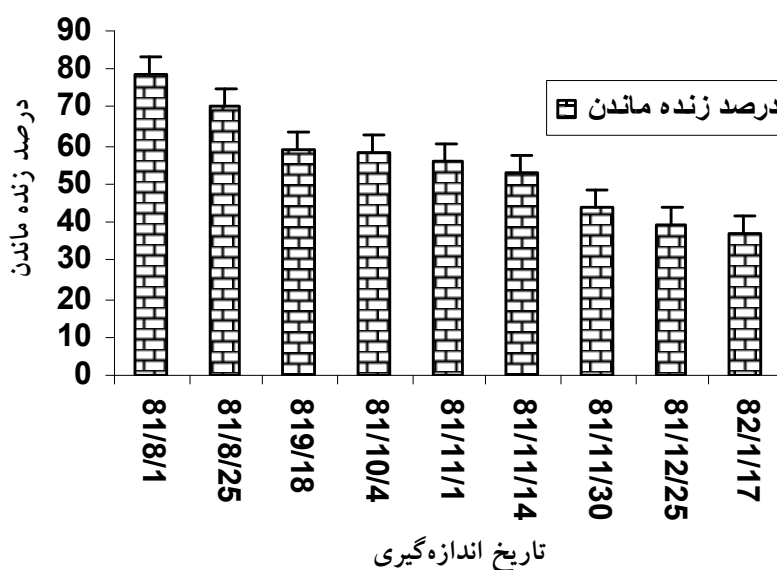
شکل ۴. تغییرات حجم آسکوسپورهای *U. necator* در محلولهای کلرید سدیم دو هفته پس از تشکیل



شکل ۵. تغییرات حجم آسکوسپوره‌های *U. necator* در محلول‌های کلرید سدیم در طی زمستان گذرانی سال ۱۳۸۲-۱۳۸۱



شکل ۶. تغییرات تعداد آسکوسپوره‌های *U. necator* شکار شده با دستگاه اسپورگیر و بارندگی از فروردین ماه ۱۳۸۲ تا خرداد ماه ۱۳۸۲



شکل ۷. تغییرات زنده ماندن کلیستوتسیوم‌های *U. necator* از مهرماه ۱۳۸۱ تا فروردین ماه ۱۳۸۲

آنها توسط گادوری و پیرسون (۱۵) بررسی شده است. اکثریت آسکوکارپ‌هایی که در روی برگ‌ها باقی می‌مانند از نظر فیزیولوژیکی ظاهراً بالغ نیستند و قادر به بقا در زمستان نمی‌باشند. اما تعداد کمی از آسکوکارپ‌ها می‌توانند روی برگ‌هایی که در زمستان در باغ باقی مانده‌اند زنده بمانند. در این تحقیق به طور موفقیت آمیزی بیماری‌زایی آسکوسپوره‌های *U. necator* روی برگ‌های بریده انگور که با کلیستوتسیوم‌های داخل کیسه‌های ململ و نگه‌داری شده در باغ تلقیح شده بودند اثبات شد. دیهل و هینتز (۱۰) و جیلوکس همکاران (۱۸) نیز نتایج مشابهی با تلقیح برگ‌های انگور با استفاده از دیسک‌های برگ انگور که حامل کلیستوتسیوم‌های *U. necator* بودند و در آزمایشگاه نگه‌داری می‌شدند به دست آوردند.

در تحقیقات قبلی نیز از کلیستوتسیوم‌های موجود در سطح برگ‌های آلوده که در باغ زمستان را سپری کرده بودند برای اثبات بیماری‌زایی آنها استفاده شده است (۳، ۱۶، ۲۵ و ۳۸) ولی عدم موفقیت برخی از این تحقیقات در ایجاد بیماری توسط آسکوسپورها (۳، ۱۶ و ۳۸) احتمالاً به علت فساد تدریجی آسکوکارپ‌های موجود در سطح برگ‌ها در طی

زمستان گذرانی قارچ مزبور در ایران بررسی صورت نگرفته است. علائم این بیماری به شکل آلودگی‌های سر شاخه‌های جوان بعد از تشکیل (Flag Shoot) در بررسی مویست‌های سطح استان دیده نشد و هیچ کنیدی قارچ عامل بیماری تا قبل از مرحله گل‌دهی در هوای باغ شکار نشد و اولین کنیدی‌ها در تاریخ ۱۳۸۲/۳/۲ شکار شدند. تغییر شکل و زوال کلیستوتسیوم‌های روی برگ‌ها، خوشه‌ها و ساقه‌ها ممکن است دلیلی برای عدم اثبات نقش آنها در بیماری‌زایی روی درختان انگور باشد (۳، ۱۶ و ۳۸) مگر این‌که در هنگام آزمون بیماری‌زایی از تعداد زیادی کلیستوتسیوم استفاده شود. سایر محققین نشان داده‌اند که کلیستوتسیوم‌ها به سادگی از روی بافت‌های انگور بر اثر بارندگی حذف می‌شوند (۲ و ۳۸) و امکان دارد که آسکوکارپ‌های بالغ بیشتر در اثر بارندگی از روی برگ‌ها و ساقه‌ها جدا و در محیط پخش شوند (۱۵). پراکنده شدن آسکوکارپ‌های *U. necator* در اثر باران برای نخستین بار توسط یوسف‌وویچ (۳۸) گزارش شد و بعداً برای آسکوکارپ‌های *Pleochaeta polychaeta* نیز گزارش شد (۲۰) رابطه بین پراکنده شدن آسکوکارپ‌های *U. necator* و بقای

زمستان بوده است (۳۷). نقش مبهم کلیستوتسیوم‌ها دراپیدمیولوژی سفیدک سطحی انگور (۸، ۱۲، ۳۰ و ۳۱) ممکن است مربوط به پراکنده شدن آسکوکارپ‌ها توسط باران در مدت زمانی باشد که برای تکامل و بلوغ نیاز دارند و یا تأخیر در بلوغ مرفولوژیکی و عدم بلوغ فیزیولوژیکی آنها باشد. وقتی که برگ‌های حامل آسکوکارپ‌های بالغ در زیر خاک مدفون شدند تمامی آسکوکارپ‌ها قدرت زنده ماندن خود را از دست دادند (۱۵) در این بررسی نیز هیچ آسکوکارپ زنده‌ای در بهار از خاک به دست نیامد. گادوری و پیرسون (۱۵) گزارش کرده‌اند که بقای آسکوکارپ‌ها روی پوست شاخه‌ها بیشتر از بقای آنها روی برگ‌ها، میوه، ساقه یا خاک می‌باشد. جیلوکس و همکاران (۱۸) در یک بررسی ۵ ساله گزارش کرده‌اند که رهاسازی آسکوسپورها در باغ همیشه بعد از بازشدن جوانه‌های برگی شروع می‌شود و تا زمان گل‌دهی درختان انگور ادامه پیدا می‌کند، نتایج این تحقیق نیز مؤید همین نکته می‌باشد. هم‌آهنگی دوره‌ای رهاسازی آسکوسپورها با شیوع سفیدک سطحی انگور در تاجکستان‌ها در آمریکا (۲۵) استرالیا (۲۳) ایتالیا (۸) گزارش شده است. در این بررسی رهاسازی آسکوسپورها با دوره‌های بارندگی همراه بود که میزان بارندگی تجمعی بین ۲ تا ۲۳ میلی‌متر متغیر بود. بنابراین به نظر می‌رسد بارندگی یک عامل ضروری برای رهاسازی آسکوسپورها می‌باشد. گادوری و پیرسون (۱۴) گزارش کردند که رهاسازی آسکوسپورها بلافاصله یا حداقل بعد از ۲/۵ میلی‌متر بارندگی در نیویورک اتفاق می‌افتد. جیلوکس و همکاران (۱۸) در تحقیقات خود هیچ ارتباطی بین میزان بارندگی و تعداد آسکوسپورهای به دام افتاده پیدا نکردند ولی به نظر می‌رسد که بارندگی نقش اساسی در مرطوب شدن آسکوکارپ‌ها دارد که برای پاره شدن دیواره آسکوکارپ‌ها و رهاسازی آسکوسپورها ضروری می‌باشد (۱۹). تغییر در میزان جوانه‌زنی آسکوسپورها در طول فصل به نظر می‌رسد با بلوغ آسکوسپورها در طی زمستان گذرانی، کاهش پتانسیل آب سیتوپلاسم آسکوسپورها و تغییر در مقاومت دیواره آسکوسپورها در برابر شکستگی مرتبط باشد. آسکوسپورهای

رهاسازی شده از کلیستوتسیوم‌ها در اوایل پاییز قادر به جوانه زنی در رطوبت اشباع بودند با کاهش پتانسیل آب سیتوپلاسم آسکوسپورها در طی زمستان گذرانی به تدریج جوانه‌زنی آسکوسپورها در طی ماه‌های زمستان کاهش یافت و هم زمان با افزایش درجه حرارت و جذب رطوبت توسط آسکوسپورها مجدداً جوانه‌زنی آسکوسپورها طی ماه‌های فروردین و اردیبهشت افزایش یافت.

در بررسی انجام شده متوسط طیف درجه حرارت روزانه در طی دوره رهاسازی آسکوسپورها بین ۶/۵ تا ۲۴ درجه سانتی‌گراد بود که در طیف درجه حرارت مناسب برای رهاسازی آسکوسپورهای *U. necator* قرار می‌گیرد (۱۸ و ۱۹). درجه حرارت بهینه برای رهاسازی آسکوسپورها ۲۵ درجه سانتی‌گراد (۱۵ و ۲۳) و طیف ۲۵-۱۵ درجه سانتی‌گراد (۱۸) گزارش شده است. در درجه حرارت‌های کمتر از ۸ درجه سانتی‌گراد رهاسازی آسکوسپورها کاهش می‌یابد (۱۳ و ۱۸). همین درجه حرارت‌های آستانه‌ای برای رهاسازی آسکوسپورها در مورد *Sphaerotheca humuli*, *Erysiphe cichoracearum* و *E. graminis f.sp.hordei* (۹، ۲۱ و ۲۴) گزارش شده است. رهاسازی آسکوسپورها از آسکوکارپ‌های *U. necator* تحت تأثیر دو فاکتور کاهش مقاومت دیواره آسکوکارپ‌ها در طی زمستان در برابر پاره شدن و افزایش هم‌زمان پتانسیل آب احتمالاً به علت افزایش پتانسیل آب در آسکوکارپ‌های کامل بعد از مرطوب شدن می‌باشد. در این پژوهش مقاومت دیواره آسکوکارپ‌ها از مهر تا بهمن ماه کاهش پیدا کرد که با نتایج به دست آمده توسط گادوری و پیرسون (۱۴) مطابقت دارد حجم آسکوسپورها در محلول نیم مولار کلرید سدیم بین دی ماه تا اسفندماه کاهش می‌یابد (شکل ۵) که نشان دهنده افزایش پتانسیل آب سیتوپلاسم آسکوسپورها در این دوره می‌باشد. کاهش در حجم آسکوسپورها در محلول نیم مولار کلرید سدیم بین دی ماه و اسفند ماه هم چنین نشان دهنده تغییرات در دیواره سلولی آسکوسپورها می‌باشد که انبساط دیواره آسکوکارپ را توسط افزایش فشار پتانسیل آب محدود می‌کند.

شدن دیواره آسکوکارپ و رهاسازی آسکوسپورها دخالت داشته باشند.

در نتیجه گیری کلی از این پژوهش می توان بیان داشت که *U. necator* می تواند در ایران به صورت کلیستوتسیوم زمستان گذرانی کند و آسکوسپورهای این گونه قارچی در ابتدای فصل نقش مایه تلقیح اولیه در شروع بیماری را دارند. هم چنین با توجه به دوره های رهاسازی متناوب آسکوسپورها در طول فصل بهار، به ویژه پس از بارندگی و مرحله فنولوژی انگور و نقش آسکوسپورها در شروع اپیدمی های بیماری، ساخت یک مدل پیش آگاهی برای کاهش خطر بیماری و برنامه ریزی دقیق تر در استفاده از قارچکش های مناسب ضروری است که می بایست در تحقیقات آینده مورد توجه قرار گیرد.

کاهش مقاومت دیواره آسکوکارپ بین پاییز و اوایل بهار ممکن است در پاسخ به هردو عامل یعنی کاهش پتانسیل آب و تغییرات مرفولوژیکی در دیواره آسکوکارپ باشد. پتانسیل آب انرژی مورد نیاز برای باز شدن دیواره آسکوکارپ ها و رهاسازی آسکوسپورها را تأمین می کند. میانگین فشار پتانسیل سیتوپلاسم آسکوسپورها در آب معادل پتانسیل شیمیایی محلولی است که موجب پلاسمولیز ۵۰٪ آسکوسپورها می شود (۴). بنابراین فشار پتانسیل در آسکوکارپ های مرطوب شده از ۶۷۰- کیلو پاسکال در مهرماه به ۲۹۹۰- کیلو پاسکال در اردیبهشت ماه افزایش می یابد (۴). اگرچه در این پژوهش تنها پتانسیل آب سیتوپلاسم آسکوسپورها اندازه گیری شد اما احتمال دارد که پتانسیل آب سیتوپلاسم سلول های پارانشیم دروغی دیواره آسکوکارپ و اپی پلاسم آسکها تغییرات مشابهی را تحمل کنند و بنابراین در پاره

منابع مورد استفاده

۱. بنی هاشمی، ض. و ش. پروین. ۱۳۷۴. مشاهده فرم جنسی *Uncinula necator* عامل سفیدک پودری مو در استان فارس. بیماری های گیاهی ۴-۱ (۳۱): ۱۰۲.
2. Abid, K. H., A. H. El-behadli and I. Al-Sohaili. 1980. Overwintering of grape powdery mildew in Iraq. PP. 62-63. In: Mediterr (Ed.), Phytopathology. Patras Pub., Greece.
3. Aurel, T. N. 1974. Cercetari privind biologia ciupercic *Uncinula necator* (Schw.) Burr. Care prova ca Fainarea Vitei de vie si mijloacele de combatere in conditiil epodogoriei Dealul Mare. Ph.D. Thesis. Institutul Agronomic. Bucuresti. Romania. 212 pp.
4. Bidwell, R. G. S. 1974. Plant Physiology. MacMillan Publishing Co., New York.
5. Bioleti, R. F. 1907. Oidium or powdery mildew of the vine. Bull. No. 186. Agricultural Experimental Station, California.
6. Boubales, D. 1961. Etude des causes de la resistance des vitacees a l oidium de la vigine (*Uncinula necator*) et de leur mode de transmission hereditaire. Ann. Ameliore Plantes. 11: 401 - 500.
7. Built, J. and R. Lfon. 1978. Powdery mildew of the vine. PP. 525-548 In: D. M. Spencer (Ed.), The Powdery Mildwes. Academic Press, New York.
8. Cortesi, P., M. Bisiach., M. Ricciolini and D. M. Gadoury. 1997. Cleistothecia of *Uncinula necator* - An additional source of inoculum in Italian Vineyards. Plant Dis. 81: 922-926
9. Cutter, E. C. and B. E. J. Wheeler. 1968. Effect of temperature on ascospore discharge from cleistocarps of *Erysiphe cichoracearum* on *Arctium lappa*. Trans. Br. Mycol. Soc. 51(5): 791-812.
10. Diehl, H. J. and C. Heintz. 1987. Studies on the generative reproduction of grapevine powdery mildew *Uncinula necator*. Vitis 26: 114-122.
11. Evans, K. J. L. Whisson and E. S. Scott. 1996. An experimental system for characterizing isolates of *Uncinula necator*. Mycol. Res. 100(b): 675-680.
12. Flaherty, D. L., F. L. Jensen., A. N. Kasimatis., H. Kido and W. J. Moller. 1981. Grape pest management. Univ. Calif. Pub, California.
13. Gadoury, D. M. and R. C. Pearson. 1990. Germination of ascospores and infection of Vitis by *Uncinula necator*. Phytopathol. 80: 1198-1203.
14. Gadoury, D. M. and R. C. Pearson. 1990. Ascocarp dehiscence and ascospore discharge in *Uncinula necator*. Phytopathol. 80: 393-401.

15. Gadoury, D. M. and R. C. Pearson. 1988. Initiation, development, dispersal and survival of cleistothecia of *Uncinula necator* in NewYork vineyards. *Phytopathol.* 78: 1413- 1421.
16. Galloway, B. T. 1895. Observation on the development of *Uncinula spiralis*. *Bot. Gaz.* 20: 486-493.
17. Gee, L. M., B. E. Stummer, D. M. Gadoury, L. T. Biggins and E. S. Scott. 2000. Maturation of cleistothecia of *Uncinula necator* (powdery mildew) and release of ascospores in southern Australia. *Aust. J. Grape and Wine Res.* 1(6): 13-20.
18. Jailloux, F., T. Thind and M. Clerjeau. 1998. Releases, germination and pathogenicity of ascospores of *Uncinula necator* under controlled conditions. *Can. J. Bot.* 76: 777-781.
19. Jailloux, F. L., L. Willocquet, L. Chapuis and G. Froidefond. 1999. Effect of weather factors on the release of ascospores *Uncinula necator*, the cause of grape powdery mildew, in the Bordeaux region. *Can. J. Bot.* 77: 1044-1051.
20. Kimbrough, J. W. 1963. The development of *Pleochaeta polychaeta* (Erysiphaceae). *Mycologia* 55: 608-618.
21. Lianage, A. S. and D. G. Royle. 1976. Overwintering of *Sphearotheca hummuli*, the cause of hop powdery mildew. *Ann. Appl. Biol.* 83: 381-394.
22. Magarey, P. A., D. M. Gaoury, R. W. Emmmet, L. T. Biggins, K. Clarke, M. F. Watchel, T. J. Wicks and R. C. Seem. 1997. Cleistothecia of *Uncinula necator* in Austeralia. *Viticultural and Enolog. Sci.* 52: 210-218.
23. Moritz, C., V. Zinkernagel and H. H. Kassemeyer. 1994. Investigation on release and germination of ascospores *Uncinula necator* in South -West Germany. *In: Proceeding of the 2th international workshop on Grapevine Downey and Powdery Mildew Modelling*, Freiburg, Germany, 29 August – 1 September, Freiburg, Germany.
24. Moseman, J. G. and H. R. Powers. 1957. Function and longevity of cleistothecia of *Erysiphe graminis* f. sp. *hordei*. *Phytopathol.* 47: 53-56.
25. Pearson, R. C. and D. M. Gadoury. 1987. Cleistothecia, the source of primary inoculum for Grape powdery mildew in NewYork. *Phytopathol.* 77: 1509-1514.
26. Pearson, R. C. and E. Gartel. 1985. Occurrence of hyphae of *Uncinula necator* in buds of grapevine. *Plant Dis. Rep.* 69: 149-151.
27. Pearson, R. C. and A. C. Goheen. 1990. *Compendium of Grape Disease*. APS Press, Minnesota, USA.
28. Pool, R. M., R. C. Pearson., M. J. Welser, A. N. lakso and R. C. Seem. 1984. Influence of powdery midew on yield and growth of rosette grapevines. *Plant Dis.* 68: 540- 543.
29. Reddick, D. and F. E. Gladwin. 1915. Powdery mildew of grapevine and its control in the United States. pp. 117-125. *In: Report of the International Congress of Viticulture*. Dattner Printing Co., San Francisco, Calif.
30. Sall, M. A. and J. Wrynski. 1982. Perenation of powdery mildew in buds of grape vines. *Plant Dis.* 66: 678-679.
31. Schnathorst, W. C. 1965. Enviromental relationships in the powdery mildews. *Ann. Rev. Phythopathol.* 3:343-366.
32. Schneider, S., D. M. Gadoury and H. Kassemeyer. 1998. The role of cleistothecia in the epidemiology of grape powdery mildew in Germany. *In: P. A. Magarey, K. L. Tschirpig and B. F. Scrafe(Eds.), Third International workshop on Grapewine Downy and Powdery Mildew: Book of Abstract*. APS Press, USA.
33. Van der Spuy, J. E. and F. N. Mtthee. 1977. Overwintering of the oidium stage of *Uncinula necator* in the buds of the grapevine. *Plant Dis. Rep.* 61: 612-615.
34. Weltzien, H. C. and M. Weltzien. 1962. Cleistothecia Von *Uncinula necator* in Wurtemberg 1961. *Z. Pflanzen Krankh.* 69: 664 - 667
35. Wicks, T., P. A. Magarey and R. W. Emmet. 1985. First report of *Uncinula necator* cliestothecia on grapevine in Australia. *Plant Dis.* 69: 727.
36. Wilhelm, A. F. 1964. Zum Auftreten der Perithechien von *Uncinula necator* im Freiland. *Z. Pflanzenkr.* 71: 445-449.
37. Yarwood, C. E. 1957. Powdery mildews. *Bot. Rev.* 23: 235-301.
38. Yossifovitch, M. 1923. Contribution a l etude de l oidium de la vigne et de son traitement. PH.D. Thesie, Universite de Toulouse. France.